

ابعاد چستی‌شناسی و هستی‌شناسی شهر اسلامی از منظر متون اسلامی

حسن سجاذزاده^{۱*}، سیده الهام موسوی^۲

^۱ استادیار شهرسازی دانشگاه بوعلی سینا همدان
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

چکیده

شهر اسلامی، از نظر ماهیت و ساختار فضایی خاصی که دارد، از اوایل قرن بیستم، مورد توجه محققان قرار گرفت و در بین شهرسازان و شهرشناسان مقوله‌ای جدا را به خود اختصاص داد. تاکنون تحقیقات گسترده‌ای از طرف اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان، درباره شهر اسلامی انجام شده و برای آن، ضوابط و معیارهایی بر طبق اصول و ارزش‌های اسلامی، متفاوت از دیگر شهرها قائل شده‌اند. از آیات قرآن کریم و روایات اسلامی متعددی می‌توان، به معانی و مفاهیم عمیقی در مورد هستی و ماهیت شهر اسلامی پی برد. بنابراین، هدف این مقاله، تبیین «چستی» و «هستی» شهر اسلامی با طرح این پرسش است که، ابعاد چستی‌شناسی (شناخت ابعاد ماهوی) و هستی‌شناسی (شناخت ابعاد وجودی) شهر اسلامی از منظر متون اسلامی (آیات و روایات) کدام است؟ این مقاله، که به روش تحلیلی و با ابزار میدانی و کتابخانه‌ای و بهره گرفتن از متون اسلامی، نگاشته شده، این نتیجه را به همراه دارد که، با توجه به، مفاهیم اساسی دین اسلام از قبیل وحدت، عدالت، امنیت، محرمیت، تواضع، طبیعت‌گرایی، شهر اسلامی را از نظر تأثیر پذیری این مفاهیم، می‌توان، به دو بعد ماهیتی (چستی) و وجودی (هستی) تقسیم کرد. بعد ماهیتی، به بررسی ابعاد و صفات هویتی و کالبدی و بعد وجودی، به بررسی ابعاد تجلی حضور عناصر وجودی و کنش‌های فردی و جمعی مسلمانان، منطبق با اصول نام برده شده، در شهر اسلامی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: شهر اسلامی، چستی‌شناسی، هستی‌شناسی، ابعاد ماهوی وجودی، متون اسلامی.

پدیده به واسطه علم حصولی است و حیث تمایز و کثرت پدیده را بیان می‌نماید، در حالی که مفاهیم وجودی، حاکی از چگونگی هستی و نحوه وجود پدیده به واسطه علم حضوری است (شیرعلی نیا، ۱۳۸۸: ۳۵). شناسایی حاصل از یافته‌های حصولی و حضوری نیز به واسطه مفاهیم، انتقال می‌یابند.

منابع چپستی‌شناسانه (ماهیتی)

طرفداران مفاهیم ماهوی در فلسفه اسلامی را می‌توان در اندیشه‌های مشایبون جست. از نظر ماهیت‌گرایان، ادراک تمثیل یافتن حقیقت چیزی، یا تصویر آن چیز در ذهن است (ابن سینا، ۱۴۰۴ق: ۱۸۸). از نظر مشایبون، جهان خارج بر ذهن تأثیر می‌گذارد، و در جریان ادراک، اثری از خارج بر ذهن نقش می‌بندد که به آن آثار ذهنی مفهوم می‌گویند. این رویکرد، بر اقامه برهان در اثبات حیثیت وجودی شیء تأکید دارد و هویت خارجی اشیا را به ماهیات آن‌ها نسبت می‌دهد و علم به اشیا را، علمی حصولی می‌داند. از دیدگاه این افراد، معرفت به حسی و عقلی تقسیم می‌شود. حواس، متعلق به حوزه جسمانی و عقل متعلق به حوزه معنوی و روحانی است (علیزاده، ۱۳۸۸: ۳۸۱). ابن سینا، احساس را اساس معرفت دانسته و بیان می‌کند: «حواس ظاهری، سرآغاز معرفت‌های حصولی انسان تلقی می‌گردد و ادراک مادیات ضرورتاً مستلزم مرتبه‌ای تجرید از ماده است» (ابن سینا، ۱۴۰۴ق: ۱۳۹). در ادراک عقلی نیز، صورت عقلی همان ماهیت صرف است، حال این ماهیت یا اساساً ماهیت جوهری مادی یا ماهیت عرض است.

منابع هستی‌شناسانه (وجودی)

ابعاد مفاهیم هستی‌شناسی در فلسفه اسلامی را می‌توان در اندیشه‌های حکمت متعالیه ملاصدرا جستجو نمود. در این دیدگاه، علم به پدیده‌ها و شناخت حقیقی وجود، فقط از طریق شهود و علم حضوری که از تجرد برخوردارند، امکان‌پذیر خواهد بود (شیرازی، ملاصدرا، ۱۳۶۸: ج ۸: ۲۰). علم حضوری تنها مناط معلومیت خود برای عالم است. تقسیم علم به حصولی و حضوری منافاتی با همدیگر ندارند و از این موضوع به عنوان بازگشت همه مصادیق علوم حصولی به حضوری، سخن گفته شده است. تا وجود نباشد، نه در ذهن و نه در خارج، هیچ چیز محقق نخواهد شد (پیشین، ج ۱: ۲۸۶). به واسطه علم حضوری، وجود عینی برای ادراک‌کننده منکشف می‌گردد. تظاهر وجود در ماهیات مختلف، حکایت از سلسله مراتب وجودی دارد (پیشین: ۲۹). وجود، به حسب شمول و گستردگی، اعماز همه اشیا است و هرچه مصداق شیء باشد، مصداق وجود است. خفای حقیقت هستی به این دلیل است که خارجی بودن، عین ذات آن است و چیزی که خارجی بودن عین ذات آن باشد، به ذهن نمی‌آید و امری که به ذهن منتقل نشود، به قالب علم حصولی در نمی‌آید و تنها با علم شهودی دریافت می‌شود. یکی از عوالم اصلی وجود، عالم مثال است که شامل دو قسم است: مثال منفصل (عالم ملکوت) و مثال متصل. مثال منفصل دارای امکانی ذاتی است (پیشین، ج ۲: ۳۱۳). مثال متصل، پلی است میان عالم روحانی و عالم جسمانی. اگر عضو ادراکی عالم جسم، حس و عقل باشد، عضو ادراکی عالم مثال، خیال

شهر اسلامی، شهری است که توسط مؤمنان و با توجه به جهان‌بینی توحیدی آنان ساخته می‌شود و در آن به مضامین جنبه‌های کالبدی (ارتباط اسلامی با عالم) و جنبه‌های رفتاری (اخلاق و رفتار اسلامی) (نقی زاده، ۱۳۸۹ الف: ۸)، در جهت برآوردن نیازهای معنوی، جسمی و روحی مردم در شهر اسلامی توجه ویژه می‌شود. بسیاری از شهرشناسان، بین شهر اسلامی و شهر مسلمانان، تفاوت قائل می‌شوند. آن‌ها معتقدند که شهر اسلامی، شهری است که طبق اصول و ارزش‌های اسلامی ساخته شود و شهر مسلمانان، شهری است که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند (شکرانی، ۱۳۸۷: ۲۳۶). هم‌چنین بسیاری نیز معتقدند که شهر اسلامی وجود خارجی ندارد و هر چه هست زائیده تفکر مسلمانان و شهرشناسان است و فقط به وجود شهری که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند، باور دارند. بر این اساس، و با توجه به تحقیقات گسترده‌ای که محققان درباره ماهیت شهر اسلامی انجام داده‌اند و اهمیت فراوانی که این موضوع در بین شهرشناسان (چه مسلمان و چه غیر مسلمان) دارد، تحقیق حاضر، تلاشی است برای نشان دادن معانی و مفاهیم عمیق تعدادی از آیات قرآن کریم درباره چگونگی ایجاد شهر اسلامی مطلوب برای مسلمانان و هم‌چنین نحوه برخورد و رفتارهای اجتماعی مسلمانان برای داشتن زندگی مطلوب فردی و جمعی. بر این اساس، بعد از معرفی مفهوم چپستی و هستی، به بررسی ابعاد چپستی و هستی مفاهیم اساسی اسلام که از برخی آیه‌های قرآن کریم و هم‌چنین احادیث و روایات استخراج شده، خواهیم پرداخت.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله، به صورت کیفی و توصیفی تحلیلی است که، با دیدگاه استنباط‌گرایانه و اشتهاگرایانه، به استنباط مفاهیم چپستی و هستی شهراسلامی و که با مراجعه به متون اسلامی و منابع مرتبط با آن، به دریافت مفاهیم و تحلیل آن‌ها می‌پردازد. در نهایت با بهره‌گیری از تحلیل محتوا و استدلال‌ات عقلی و بهره‌گیری از منابع جامع شهودی و حکمی، مفاهیم مرتبط با شهر اسلامی استنباط و تحلیل شده است.

ماهیت و وجود در فلسفه اسلامی

الگوها، اصول متعارف و موضوع، پیش‌فرض‌ها، پارادایم‌ها، مکاتب و نظریه‌ها درباره پدیده‌ها، در دو رویکرد کلی معرفت‌شناسانه (شناخت‌شناسی یا ماهیتی) یا هستی‌شناسانه (وجودی) بیان شده‌اند (Babich, 2003). رویکرد معرفت‌شناسی، با تبیین و شناخت ابعاد ماهیتی پدیده، آن را در معرض آزمون‌ها و پیش‌فرض‌های تجربی، عقلی و عینی قرار می‌دهد (گیلیس، ۱۳۸۱). در رویکرد هستی‌شناسی به تفسیر ابعاد وجودی پدیده‌ها تأکید می‌شود و آن را در سطحی فراجربی و شهودی مورد استنباط قرار می‌دهد. به این ترتیب نوع نگرش به پدیده‌ها، هم در قالب مفاهیم ماهوی و هم در قالب مفاهیم وجودی، قابل دسته‌بندی است. مفاهیم ماهوی، حاکی از چپستی

خواهد بود (پیشین: ۳۳). عالم مثال، عالمی است مابین عالم غیب و شهاده. ملاصدرا عقیده دارد که به کمک صورت‌های مدرک بالذات، صورت‌های مادی خارجی بالعرض احساس می‌گردد (شیرازی، ملاصدرا، ۱۳۶۱: ۴۳). با توجه به این موارد، می‌توان دیدگاه‌های مرتبط با معرفت نسبت به پدیده‌ها را در تفکر اسلامی به دو قسم علم حصولی و علم حضوری یا ماهیت و وجود، تقسیم نمود (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: دیدگاه‌های مرتبط نسبت به شناخت پدیده‌ها در تفکر اسلامی

مفاهیم	تبیین مفاهیم	منابع	نظریه پردازان
مفاهیم «ماهوی»	تأکید بر «چیستی» پدیده	«علم حصولی» شامل: حس و عقل	ابن سینا، ابن رشد، فارابی و ...
مفاهیم «وجودی»	تأکید بر «هستی» پدیده	«علم حضوری» شامل: شهود و قلب	ملاصدرا، لاهیجی و ...

شکل‌گیری شهرهای اسلامی

بسیاری از محققان معتقدند که اسلام، اصولاً دینی شهری است. یکی از نمادها و نشانه‌های هویت‌دهنده و تعریف‌کننده تمدن اسلامی، وجود مدینه اسلامی به عنوان زندگی مدینه‌نشینان و ظرف فعالیت‌شان است (باقری، ۱۳۸۶: ۲۶). هسته اولیه شکل‌گیری شهرهای اسلامی توسط اعراب، اردوگاه‌های نظامی بودند که در کنار شهرهای قدیمی برپا می‌شدند. گاهی شهرهای اسلامی جدید را دور از شهرهای قدیمی می‌ساختند. گاهی نیز در کنار شهری که به سختی آن را تصرف می‌کردند، شهر اسلامی بزرگی می‌ساختند، تا قدرت خود را بر آنان نشان دهند و گاهی همان شهر قدیمی را گسترش می‌دادند. در بسیاری از زمان‌ها نیز، در کنار مزار پیشوایان دینی، شهری اسلامی بنا می‌ساختند؛ کربلا، قم و مشهد نمونه‌هایی از این گونه شهرهای اسلامی هستند. شهرهای قدیمی که توسط مسلمانان فتح می‌شدند، به مرور، با جایگزینی عناصر اسلامی با عناصر غیر اسلامی موجود در آن شهرها و بر طبق اصول و ارزش‌های اسلامی تغییر می‌کردند و گسترش می‌یافتند. شهرهایی که فرمانروایان اسلامی بنیان گذارند، دو پایه اصلی داشت: یکی مسجد جامع و دیگر بازار (اشرف، ۱۳۵۳: ۱۸). علاوه بر این دو پایه، محله‌های مسکونی، که در برگرفته اصلی‌ترین عامل ایجاد شهر، یعنی انسان‌ها (در اینجا، مسلمانان)، هستند، عنصر اصلی دیگری برای شهرهای اسلامی محسوب می‌شدند. یکی از رسوم مذهبی پایدار مسلمانان خواندن نماز جماعت در روز جمعه است؛ از این رو، مسجد آدینه (مسجد جامع) رفته رفته، به صورت یکی از ارکان اصلی زندگی شهری و یکی از نشانه‌های مشخص‌کننده شهر در آمد (پیشین: ۷). از پیامبر اسلام (ص) نقل است که فرمود: «لا جمعه و لا تشریق و لا فطر و لا اضحی الا فی مصر جامع» نماز جمعه و نماز تشریق و نماز فطر و قربان فقط در شهر جامع برگزار می‌شود (مقاتی، ۱۳۸۱: ۱۵۸). مسجد، علاوه بر این که به عنوان پایگاهی عبادی برای مسلمانان محسوب می‌شد، جایگاهی برای امور سیاسی و فرهنگی و حل و فصل مشکلات مسلمانان بود. می‌توان گفت به همین دلیل محل بنای مسجد را در جایی انتخاب می‌کردند

که دسترسی به آن برای اقشار مختلف جامعه، یکسان باشد. به این ترتیب مسجد هم‌چون نگینی در وسط بازار در شهرهای اسلامی قرار گرفت. عنصر بعدی که کنار و اطراف مسجد، شکل گرفت بازار بود. نخستین گام‌ها در پیدایش بازارها، فروشندگانی بودند که کالاهای متناسب با فعالیت‌های مذهبی را به فروش می‌رساندند؛ از جمله، فروش تسبیح، مهر، عطریات و ... و کتاب‌های مذهبی. در کنار آن، بازار کتاب‌فروشان و بازار صحافان و سپس بازار چرم‌سازان قرار داشت. پس از آن نوبت به بازار پارچه‌فروشان می‌رسید که «قیصریه» نامیده می‌شد (اشرف، ۱۳۵۳: ۱۹). به مرور، دیگر فعالیت‌های اقتصادی، در قالب انواع رسته بازارها به وجود آمدند؛ مانند رسته گیوه‌فروش‌ها و مسگرها. عنصر اصلی دیگر، در شهر اسلامی، محله، است. محله، مجموعه‌ای از خانوارهایی که کیفیت خاص زندگی‌شان بر نزدیکی و صمیمیت استوار است و در پیوندهای شخصی، منافع مشترک و وحدت اخلاقی مشترک آن‌ها قابل مشاهده است (خدایی و تقوایی، ۱۳۹۰: ۱۰۸). بیش‌تر محله‌ها بعد از اسلام، بر اساس نقاط مشترک اهالی شکل گرفتند. گاهی این محله‌ها، بر اساس اشتراک هم‌شهری بودن مسلمانان، شکل می‌گرفتند؛ به عنوان مثال محله شیرازی‌ها و گاهی نیز بر پایه حرفه مشترک؛ مانند محله حصیرباف‌ها. محله یا کوی، شهرک کوچکی در دل شهر بود و برای خودش بازارچه، مسجد، مدرسه و دیگر چیزهای مورد نیاز را داشته است (پیرنیا، ۱۳۹۰: ۳). به این طریق، شهرهای اسلامی شکل می‌گرفتند و توسعه می‌یافتند. این‌گونه شهرهای اسلامی، که با توجه به اصول و ارزش‌های اسلامی ساخته می‌شدند، رفته رفته از نظر کالبد و ظاهر، از دیگر تمدن‌ها، متمایز شدند و از قرن نوزدهم میلادی، مستشرقان، آن‌ها را «شهر اسلامی» نامیدند. از آن به بعد، شهر اسلامی، به شهری گفته می‌شد که توسط مسلمانان ساخته می‌شد و مسلمانان در آن زندگی می‌کردند. با ورود اسلام به هر تمدن، شکل‌گرفتن شهرهای اسلامی به گونه‌ای بود که با کالبد شهرهای موجود آمیخته می‌شد و سعی می‌کردند شرایطی را برای بهتر زیستن مسلمانان در آن شهر فراهم آورند. اما به مرور زمان و تثبیت بیش از پیش اسلام، دستگاه حکومت سعی داشت شهرهای اسلامی جدیدی بر طبق اصول، عقاید و رهنمودهای اسلام بسازد. با پراکنده شدن نوای وحدت‌گرای آیین اسلام، شهر نیز جلوه‌ای حقیقی و معنوی یافت و با رعایت اصولی هم‌چون سلسله مراتب، حریم خصوصی، نظم و تعادل در کالبدی پیچ در پیچ، سعی در همسازی با آن فرهنگ داشته است.

مفهوم شهر اسلامی از منظر غریبان

مفهوم شهر اسلامی برای نخستین بار از سوی مستشرقانی که به کشورهای اسلامی سفر می‌کردند، مطرح شد و بعدها وارد ادبیات حوزه شهرسازی گردید. لذا آن‌چه به آن، عنوان مؤلفه‌های هویتی شهر اسلامی از سوی مستشرقان مطرح شد، بیش‌تر کالبدی است تا محتوایی و جالب این‌که این مؤلفه‌های کالبدی برون‌داد یک پدیده درونی و محتوایی نیستند. به این ترتیب، مرور ادبیات پژوهشی و مطالعات شهرهای واقع در قلمرو مسلمانان، نشان می‌دهد که در اثر توجه مستشرقان به

تاریخ و مفهوم شهرهای مسلمانان، از اواخر قرن نوزدهم به این سو، اصطلاح شهر اسلامی در نوشته‌های مغرب زمین شکل گرفت. نفوذ مستشرقان در سرزمین‌های مختلف آسیا و آفریقا، موجب بیان و ارائه دیدگاه‌ها و نحله‌های متنوع فضایی نسبت به مفاهیم مرتبط با شهر اسلامی، گردید که نتیجه آن، ترسیم نقشه‌های شهری و معماری، توصیف نظام‌های سیاسی، دینی و اقتصادی در شهرهای این مناطق، بود (Raymond, 2005). به دنبال آن، مطالعات بعدی نیز با ذهنیت‌های مشابه تا دوره‌های بعدی ادامه پیدا کرد. این مطالعات، طیف وسیعی از مورخان، انسان‌شناسان، جامعه‌شناسان، جغرافی‌دانان و محققان اسلامی تا شرق شناسان و مورخان را شامل می‌شود (Dumper, 2006; Alsayyad, 1996; Abu-Lughod, 1987). اولین مطالعات در خوانش ماهیتی شهر اسلامی، دو گرایش مکتب مغرب و مکتب دمشق است. روش وبر نیز مبتنی بر تحلیل شهر اسلامی با شابلون مدل اروپایی غربی‌اش که جامعه‌شناسی غایب^۵ نامیده می‌شود، چارچوبی را در مطالعه شکل‌گیری مفهوم شهر اسلامی به وجود آورد. ساموئل استرن، لاپیدوس و دیگران نیز، با تحلیلی متأثر از دیدگاه ماکس وبر (وبر، ۱۳۶۹) مقایسه شهر اسلامی و غربی، به رد آتصاف صفت شهر برای مجموعه‌های انسانی واقع در جوامع اسلامی پرداختند (Boswerth, 2007). ساموئل استرن معتقد بود که شهر اسلامی مکانی عمومی است، نه مکان به معنی اجتماعی (Ibid). نمونه‌های دیگر از تأثیر رویکرد وبر بر مطالعات شهرهای اسلامی را می‌توان بررسی مؤلفه‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی شهرهای اسلامی بر اساس ویژگی‌های حاکم بر شهر غربی به عنوان شاخص‌های شناخت شهر اسلامی دانست (Antoniou, 2002) دانتون، (۱۳۸۶). تحقیقات بعدی در اوایل دهه ۱۹۸۰، تلاطم گرایش قبلی بود؛ با این تفاوت که این بار با همراهی ایده‌های ادوارد سعید و ماساشی هانیدا، روش رویارویی با موضوع تغییر عمده‌ای کرد. در این رویکرد جدید، سعی بر آن شد تا هر شهر از سرزمین‌های اسلامی در زمینه فرهنگی - اجتماعی خاص خود مورد مطالعه قرار گیرد (Kuban, 1980; Alsayyad, 1996).

مفهوم شهر از منظر متون و ادبیات اسلامی

در قرآن، شهر با نام‌های مدینه، بلد و قریه آمده است. خداوند در قرآن کریم در ۱۴ آیه به کلمه بلد، در ۱۴ آیه به کلمه مدینه و در ۳۳ آیه به کلمه قریه اشاره نموده است (فرجام، سلیمانی مقدم، چاوشی، ۱۳۹۰: ۳۲). بلد در لغت به معنی زمین‌های آباد به کار می‌رود و به جایی اطلاق می‌شود که وفور نعمت در آن وجود داشته باشد. واژه مدینه که در قرآن، چهارده مرتبه ذکر شده، گاهی به معنای مستقیم برای شهر به کار رفته است؛ مانند آیه: «إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَّكْرَتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا» (اعراف، آیه ۱۲۳) و گاهی نیز، به عنوان مدینه‌الرسول (شهری که پیامبر به آن جا هجرت کرده باشد)، به کار رفته است: «مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنِ النَّبِيِّ» (توبه، آیه ۱۲۰). قریه نیز لفظی است که در متون اسلامی، علما و مفسران، برای آن معانی بسیاری تعریف کرده‌اند که گاهی نیز این معانی به صورت متضاد تعریف شده‌اند. گاهی از قریه، به عنوان مکانی نام برده‌اند که جمعی از انسان‌ها در

آن سکونت دارند. گاه برای مجموعه‌ای از ساختمان‌های کنار هم و گاهی نیز از معانی بلد برای قریه استفاده کرده‌اند. در روایات و متون اسلامی از رستاق برای نامیدن مجموعه‌ای از چند ده و قریه استفاده می‌شد که معمولاً در حومه شهر قرار داشتند. علاوه بر این که به شهر بزرگ (البلد العظیم) مصر می‌گفتند. در این باره مقدسی می‌گوید: مصر شهری است که سلطانی بزرگ در آن مستقر باشد، دیوان‌ها در آن متمرکز باشند، ناحیه‌هایی وابسته به آن باشد که هر کدام شهرهایی داشته باشند و سلطان بزرگ، امیران نواحی و شهرها را از آن جا بگمارد (مقدسی، ۱۹۰۶: ۴۷).

در قرآن، از مکه، شهری که اسلام در آن ظهور پیدا کرد، بارها سخن به میان آمده و از آن به «ام القرا» یاد شده و برای آن، سه صفت اصلی به عنوان صفات شهر اسلامی آورده شده است. از زبان حضرت ابراهیم (ع) به صورت دعا آمده است: «وَأَذَّ قَالَ اِبْرَاهِيمَ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا آمِنًا وَالرِّزْقُ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ». «و چون ابراهیم عرض کرد پروردگارا این شهر را محل امن و آسایش قرار ده و روزی اهلش را که به خدا و روز قیامت ایمان آوردند فراوان گردان» (بقره، آیه ۱۲۶). همان‌طور که از این آیه روشن است، امنیت، رزق و ایمان به خدا یا توحید، مهم‌ترین اموری هستند که باید در شهر اسلامی برقرار باشند. در سایه امنیت، نیازهای روانی و نفسانی انسان، با تأمین رزق، نیازهای مادی و جسمی و با یاد خدا (ایمان)، نیازهای روحی و معنوی انسان برآورده می‌شود «لا بذكر الله تطمئن القلوب»، «با یاد خدا دلها آرام می‌گیرد» (رعد، آیه ۲۸).

مفاهیم اساسی در اسلام

با توجه به این قول خداوند متعال که می‌فرماید: «و لا حیه فی ظلمات الارض و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین»، «و هیچ دانه در زیر تاریکی‌های زمین و هیچ تر و خشکی نیست، جز آن که در کتاب مبین و قرآن عظیم مسطور است» (انعام، آیه ۵۹)، می‌توان با تفکر و تدبیر در آیات قرآن کریم و احادیث و روایات، مفاهیم اساسی موجود در اسلام را، استخراج و استنباط نمود. می‌توان گفت که اسلام، چگونه زیستن را می‌آموزد و طبیعی است که در این راه فضای زندگی نیز باید با روش زیستی که اسلام تعریف می‌نماید، هماهنگ باشد؛ علاوه بر این‌که، اسلام، ویژگی‌های اهل شهر را در سعادت زندگی و شقاوت شهر مؤثر می‌داند (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۱۱). با مراجعه به آیات قرآن، از جمله سوره آل عمران، آیه ۱۰۳/ نحل، آیه ۹۰/ تین، آیه ۳/ نور، آیه ۲۷/ لقمان، آیه ۱۸/ بقره، آیه ۲۲ و نساء، آیه ۱۴۴ و نیز احادیث رسیده از ائمه، می‌توان مضامینی را که بر معیارهای رفتاری مسلمانان و هم‌چنین نوع تعامل‌شان با یکدیگر در چند مفهوم مهم و کلی، شامل مفهوم وحدت، عدالت، امنیت، محرمیت، تواضع، طبیعت‌گرایی و عدم پیروی از بیگانگان استنباط نمود. با توجه به این‌که این مفاهیم و آیات، علاوه بر این‌که تعیین‌کننده نوع رفتار مسلمانان هستند، ضوابط و ویژگی‌هایی را برای شهر و محل سکونت مسلمانان در بردارند. به همین علت برآنیم، تا با مطالعه آیات و روایات مربوط

به آن، که بر هر دو جنبه کالبدی و وجودی شهر اسلامی تأکید دارند، ابعاد چپستی (ماهیتی) و هستی (وجودی) شهر اسلامی را بررسی کنیم (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲: استنتاج مفاهیم اساسی اسلام از آیات قرآن و احادیث

آیه	حدیث	مفهوم آیه و حدیث
واعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا. آل عمران ۱۰۳	...به خدا قسم، جماعت، همدست شدن با اهل حق است هر چند اندک باشد و تفرقه، همدستی با اهل باطل، هر چند بسیار باشد. حضرت علی (ع)	وحدت
إن الله یأمر بالعدل و الاحسان... نحل ۹۰	هر کس به عدالت رفتار کند، خداوند حکومتش را حفظ خواهد کرد. حضرت علی (ع)	عدالت
و هذا البلد الامین. تین ۳	سه چیز است که همه مردم به آن‌ها نیاز دارند، امنیت، عدالت و آسایش. امام صادق (ع)	امنیت
یا ایها الذین ءامنوا لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلموا علی اهلها ذلکم خیر لکم لعلکم تذكرون. نور ۲۷	برای شخص مسلمان جایز نیست که به درون خانه‌ای نگاه بیندازد، تا این که اجازه بخواهد، پس اگر اجازه خواست می‌تواند داخل شود. پیامبر اکرم (ص)	محرمیت
و لا تصعر خدک للناس و لا تمش فی الارض مرحا إن الله لا یحب کل مختال فخور. لقمان ۱۸	خدای متعال به من وحی فرمود که متواضع باشی تا هیچ کس بر دیگران فخر نفروشد و احدی به دیگری زورگویی و تجاوز نکند. پیامبر اکرم (ص)	تواضع
الذی جعل لکم الارض فراشا و السماء بناء و أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرات رزقا لکم. بقره ۲۲	اگر ساعت قیامت برپا شود و در دستان شما یک نهال است، اگر قدرت دارد، ایستاده و درخت بکارد، باید آن را انجام دهد. پیامبر اکرم (ص)	طبیعت گرایی
یا ایها الذین ءامنوا لا تتخذوا الکافرین اولیاء من دون المؤمنین. نساء ۱۴۴	خود را به شکل دشمنان من در نیابردید. حدیث قدسی	عدم پیروی از بیگانگان

مفهوم وحدت: با توجه به مباحث مطرح در تعالیم اسلامی، اصلی ترین بنیاد (یا مبانی) اسلام، توحید است (نقی زاده، ۱۳۸۹ الف: ۴). در قرآن آیه‌های متعددی با معانی و مفاهیم متفاوت در مورد توحید (یگانگی خداوند) و برای تأکید هر چه بیش تر بر وحدت و یگانگی خداوند ذکر شده است. آیه «قل هو الله احد»، «بگو او خدای یکتاست» (اخلاص، آیه ۱) اشاره به یکتایی ذات خدوند دارد و بر این اصل تأکید دارد که هیچ گونه کثرتی در او راه ندارد. «در جامعه اسلامی، اصل توحید، نه تنها همه آرا و رفتارها و آثار مسلمانان را جهت می‌دهد، که همه آرا و رفتارها و آثار نیز باید به توحید منتهی شوند» (طباطبایی، ج ۷: ۱۸۴-۱۸۳). در قرآن، بر وحدت بین مسلمانان نیز تأکید شده است: «واعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا»، «و چنگ زبید به رشته خدا همگی و پراکنده نشوید (آل عمران، آیه ۱۰۳)». از این آیه، می‌توان نتیجه گرفت که

تحقق اجتماع اسلامی، وابسته به وحدت در بین مؤمنان است؛ به گونه‌ای که جامعه اسلامی باید از «من» و «منیت» دوری کند، و نیز مؤید اصل اساسی «وحدت در کثرت و کثرت در وحدت» است. حضرت علی (ع) درباره وحدت در جامعه اسلامی می‌فرماید: «...به خدا قسم، جماعت، همدست شدن با اهل حق است هر چند اندک باشد، و تفرقه، همدستی با اهل باطل، هر چند بسیار باشد» (متقی و نصیری، ۱۳۸۷: ۱۶۴۴).

مفهوم عدالت: پس از توحید می‌توان به مفهوم عدل اشاره کرد که به عنوان اصلی ترین صفت فعل الهی است که هم مسلمانان به رعایت آن امر شده‌اند و هم مطابق سخن رسول خدا (ص) عالم هستی بر آن قرار دارد: «بالعدل قامت السموات و الارض» (نقی زاده، ۱۳۸۹ الف: ۴). در قرآن آمده است: «إن الله یأمر بالعدل و الاحسان...»، «همانا خدا خلق را فرمان به عدل و احسان می‌دهد...» (نحل، آیه ۹۰). در حدیثی از امام علی (ع) نیز آمده است: «هر کس به عدالت رفتار کند، خداوند حکومتش را حفظ خواهد کرد» (آمدی، ۱۳۸۰، ج ۵: ۳۵۵). در احادیث و روایات فراوانی از ائمه برای برقراری عدالت اجتماعی، سفارش‌های فراوانی شده است. حضرت علی (ع) همواره به حاکمان سفارش اکید مبنی بر برقراری عدل و داد در بین مسلمانان داشته‌اند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «... اگر یکی از شما به شهری داخل شد که سلطان عادل ندارد، اصلاً در آنجا اقامت نکنید» (میرزایی، ۱۳۸۷: ۱۴۱).

مفهوم امنیت: امنیت، یکی دیگر از مواردی است که در قرآن، از آن سخن به میان آمده است: «و هذا البلد الامین»، «و قسم به این شهر (مکه معظمه) امن و امان» (تین، آیه ۳). در جای دیگر می‌فرماید: «و ضرب الله مثلا قریه کانت ءامنه مطمئنه...»، «و خدا بر شما حکایت کرد و مثل آورد (تا گوش کرده و عبرت گیرید) مثل شهری را که در آن امنیت کامل حکم فرما بود و اهلیش در آسایش و اطمینان زندگی می‌کردند...» (نحل، آیه ۱۱۲). امام صادق (ع) می‌فرمایند: «سه چیز است که همه مردم به آن‌ها نیاز دارند؛ امنیت، عدالت و آسایش» (حرانی، ۱۳۸۷: ۳۲۰). می‌توان نتیجه گرفت که این اندازه اهمیت دادن به امنیت، هم از جنبه جسمانی و هم از جنبه روحی و روانی در اسلام باعث شده امنیت، به مفهومی مهم و اساسی در اسلام تبدیل شود.

مفهوم محرمیت: مهم ترین و بارزترین خصوصیتی که به مسلمانان نسبت می‌دهند، حفظ محرمیت یا درون گرایی است. در آیات و روایات متعددی، تأکیدهای فراوانی در جنبه‌های مختلف، به مسلمانان شده که هر کدام معرف خصلت درون گرایی است. بدون اجازه وارد نشدن و نگاه نکردن به حریم خصوصی دیگران، تفکیک جنسیتی هم در درون (بنا به شرایط خاص) و هم در بیرون (توجه به ویژگی محرمیت)، از مواردی هستند که منجر به درون گرایی شده است. در آیات و احادیث متعددی می‌توان به اهمیت این موضوع پی برد. «یا ایها الذین ءامنوا لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلموا علی اهلها ذلکم خیر لکم لعلکم تذكرون»، «ای اهل ایمان هرگز به هیچ خانه مگر خانه‌های خودتان تا با صاحبش انس (و

اجازه) ندارید وارد نشوید و چون رخصت یافته و داخل شوید به اهل آن خانه نخست سلام کنید که این شما را بسی بهتر است تا باشد که متذکر شوید» (نور، آیه ۲۷). در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده درباره کسی که به درون خانه‌ای برای دیدن زنان سر می‌کشید، و او را مجروح کردند، فرمودند که او دیه ندارد. هم‌چنین پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «برای شخص مسلمان جایز نیست که به درون خانه‌ای نگاه بیندازد، تا این که اجازه بخواهد، پس اگر اجازه خواست می‌تواند داخل شود» (عبدالباقی و نجاری، ۱۳۸۷).

مفهوم تواضع: فخر فروشی، اولین گناهی که، پس از خلقت آدم (ع) و توسط شیطان، به وقوع پیوست، از صفاتی است که مسلمانان از آن به شدت نهی شده‌اند (نقی‌زاده الف، ۱۳۷۹: ۳۱). در قرآن کریم، آیه‌هایی درباره تواضع و نداشتن غرور و تکبر برای مسلمانان آمده است؛ از آن جمله: «و لا تصغر خدک للناس و لا تمش فی الارض مرحا ان الله لا یحب کل مختال فخور»، «و هرگز به تکبر و ناز از مردم رخ متاب و در زمین با غرور و تخیتر قدم بر مدار که خدا هرگز مردم متکبر خودستا را دوست نمی‌دارد» (لقمان، آیه ۱۸). در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمودند: «خدای متعال به من وحی فرمود که متواضع باشید تا هیچ‌کس بر دیگران فخر نفروشد و احدی به دیگری زورگویی و تجاوز نکند» (متقی و نصیری، ۱۳۸۷، ج ۳: ۱۱۰). می‌توان از این آیه و حدیث و آیات و احادیث مشابه استنتاج کرد که اسلام مسلمانان را به تواضع و فروتنی در برابر یکدیگر راهنمایی کرده است.

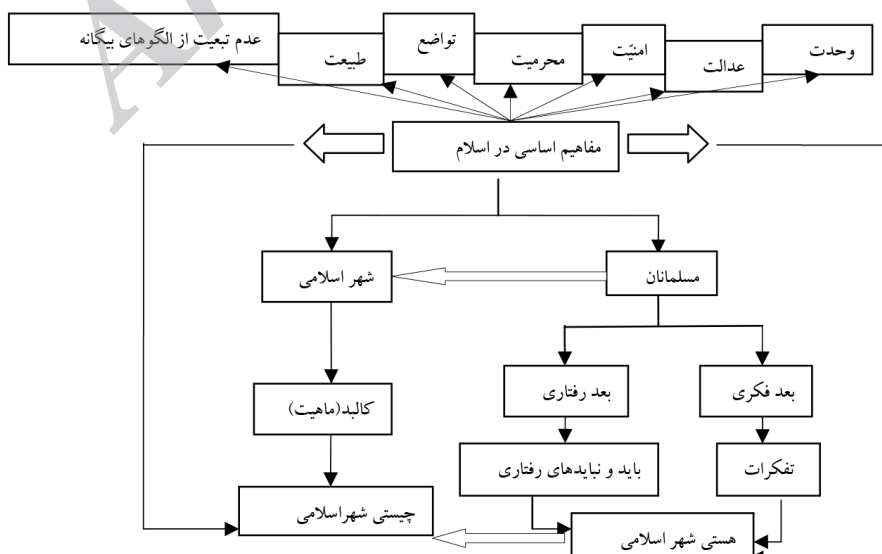
مفهوم طبیعت‌گرایی: خداوند در قرآن می‌فرماید: «و إذ قال ربک للملئکه انی جاعل فی الارض خلیفه»، «به یاد آر آنگاه که پروردگار فرشتگان را فرمود من در زمین خلیفه‌ای (از بشر) خواهم گماشت» (بقره، آیه ۳۰). بدین معنی که، پروردگار به انسان مخلوق خویش، نهایت ارزش را بخشیده و مقام خلیفه الهی بودن را به او داده است. در جای دیگر آمده که همه چیز را در خدمت انسان و برای او آفریده است: «الذی جعل لکم الارض فراشا و السماء بناء و أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرات رزقا لکم»، «آن

خدایی که برای شما زمین را گسترده و آسمان را برافراشت و فرو بارید از آسمان آبی که به سبب آن بیرون آورد میوه‌های گوناگون برای روزی شما» (بقره، آیه ۲۲). می‌توان استنتاج کرد که این همه تأکید بر توجه انسان به طبیعت برای حمد و ثنای پروردگار است.

مفهوم عدم تبعیت از الگوهای بیگانه: «و لقد بعثنا فی کل أمة رسولا أن اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت»، «و همانا ما در میان هر امتی پیغمبری فرستادیم تا به خلق ابلاغ کند که خدای یکتا را پرستید و از بتان و فرعونان دوری کنید» (نحل، آیه ۳۶) و «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الکافرین أولیاء من دون المؤمنین»، «ای اهل ایمان مبادا کافران را به دوستی گرفته و مؤمنان را رها کنید» (نساء، آیه ۱۴۴). در حدیث قدسی آمده است: «خود را به شکل دشمنان من در نیارید» (حر عاملی، ۱۳۸۵: ۶۷۰-۶۶۹). از این آیه‌ها استنتاج می‌شود که، اسلام مسلمانان را از تقلید کردن و تکرار روش‌های گذشتگان و بیگانگان منع کرده است.

تجلی ابعاد چیستی و هستی‌شناسی مفاهیم اسلامی در شهر اسلامی

خداوند در قرآن می‌فرماید: «لا أقسم بهذا البلد و أنت حل بهذا البلد» (بلد، آیه‌های ۱ و ۲). در این آیه‌ها، خداوند به دلیل شأن حضور پیامبر و پدران‌شان در مکه، آن شهر را با عظمت می‌شمرد و به آن سوگند یاد می‌کند. بنابراین، مفاهیم اساسی اسلام که به آن‌ها اشاره شد، تعیین‌کننده نوع رفتار و کنش‌های فردی و جمعی مسلمانان در شهر اسلامی است. در واقع می‌توان گفت با توجه به کلام خداوند در آیه ۱۲۶ سوره بقره که مکه را به‌عنوان بهترین الگوی شهر اسلامی برای مسلمانان معرفی کرده و صفات ایمان (توحید)، امنیت و رزق را برای آن بیان نموده است، «این ویژگی‌ها، علاوه بر پاسخگویی به همه نیازهای انسان، بر کالبد شهر، بر قوانین و مقررات حاکم بر شهر، بر ارتباطات مردمان با یکدیگر و در یک کلام بر ارکان شهر، تأثیر بنیادین خواهد داشت» (نقی‌زاده، ۱۳۸۹ الف: ۱۱). اهمیت این مفاهیم برای مسلمانان به گونه‌ای است که گاهی باید برای برقراری این مفاهیم، تغییراتی در کالبد شهر



نمودار شماره ۱: مفاهیم اساسی اسلام و تأثیر آن‌ها بر مسلمانان و بر شهر اسلامی

خود ایجاد کنند. به نحوی که، این تغییرات، کالبد شهر اسلامی را متفاوت‌تر از محیط زندگی غیر مسلمانان نموده است. «هنگامی که پیامبر(ص)، بین مهاجرین و انصار، عقد برادری می‌بندد، یعنی که شهر فقط کالبد نیست و اهل آن نیز، باید مد نظر قرار گیرند» (نقی‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۸).

مفهوم وحدت در شهر اسلامی

همان‌طور که اشاره شد، اصل وحدت مهم‌ترین اصل اساسی در اجتماع اسلامی است که ابعاد ماهیتی و وجودی خود را به صورت زیر در شهر و فضای شهر اسلامی متجلی می‌سازد.

الف) تجلی مفهوم وحدت در بعد چپستی‌شناسی: وحدت در بعد چپستی یا ماهیتی و به طور کلی در کالبد شهر اسلامی، به گونه‌ای است که تمامی فضاهای شهری حامی و مکمل یکدیگرند و هیچ نوع برتری و ناحیه‌بندی در بین فضاهای شهری وجود ندارد؛ بدین معنی که در بین فضاهای شهری تناسبات و سلسله‌مراتبی وجود دارد که بودن هر کدام از این فضاها در کنار یکدیگر، یک کل واحد را به وجود می‌آورد. هم‌چنین شهر اسلامی، با داشتن خط آسمانی منظم و کوتاه، و نیز، با شکسته شدن این خط آسمان توسط مسجد و شاخص شدن آن، از طرفی وحدت عناصر شهر را در کالبد و از طرف دیگر، یگانگی و وحدانیت خداوند را نشان می‌دهد. «خانه‌ها تقریباً هموار و در یک سطح ساخته می‌شود؛ شهر شامل مجموعه‌ای از خانه‌ها می‌شود که نمای بیرونی آن‌ها، شکل و فضای داخلی یا اهمیت آن‌ها را نشان نمی‌داد» (بنه ولو، ۱۳۶۹: ۱۰). جهت‌گیری ساختمان‌ها رو به سمت قبله نیز، گونه‌ای دیگر از وجود وحدت در کالبد و چپستی شهر اسلامی است. در شهر اسلامی، همه چیز باید تذکردهنده به یاد خداوند باشد؛ بنابراین، باید از هر چه ذهن مؤمنان را از این مهم منحرف کند، اجتناب کرد و همه توجهات باید به سمت تسبیح برای یگانگی خداوند باشد. «احادیث اسلامی، بازنمایی پیکر و سیمای انسان را حرام می‌دانسته و در نتیجه، هنرهای تجسمی به معنای کلاسیک آن از پیشرفت باز ماند، به جای آن نظامی از تزیین انتزاعی تحول یافت که مبتنی بر ترکیب‌های هندسی و خط عربی بود و کاملاً با معماری آن‌ها نیز هماهنگی داشت» (پیشین: ۱۰-۹). امام صادق(ع) می‌فرماید: «همانا امیرمؤمنان علی(ع)، وجود صورت‌ها را در خانه‌ها ناپسند می‌داشت» (حرعاملی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۵۶۱). به همین دلیل، در شهر اسلامی، «شکل‌گیری هنرهایی خاص (مثل خوشنویسی، قرأت قرآن کریم، نقوش هندسی در غالب هنرها) و هم‌چنین نفی و عدم رشد برخی هنرهای دیگر مثل نگارگری و پیکرتراشی» (نقی‌زاده، ۱۳۸۹: ۷۳) ظهور پیدا کرد. استفاده از این هنرهای اسلامی و نقوش هندسی و تزیینی، نه تنها در مساجد، بلکه در همه کاربری‌های شهر اسلامی، مانند خانه‌ها، حتی بازارها و حمام‌ها، مدارس و به طور کلی در تمام فضاهای شهر اسلامی به بهترین شکل استفاده شده است. «به این ترتیب شخص موحد، طالب و خواهان نمایش قانونمندی و هماهنگی ساخته‌های خویش (مثل معماری و شهرش) با قوانین حاکم بر عالم وجود و هم‌چنین حکومت این قانونمندی و هماهنگی بین اجزای شهر خواهد بود» (نقی‌زاده، ۱۳۸۹ الف: ۵).

ب) تجلی مفهوم وحدت در بعد هستی‌شناسی: در قرآن آیه‌های متعددی برای توصیف یگانگی خداوند آمده و در کنار آن‌ها بر وجود وحدت در میان مسلمانان تأکید شده است (آل عمران، آیه ۱۰۳). در احادیث نیز آمده که پیامبر بعد از این که به شهر مدینه وارد شد و محل مسجد را مشخص نمود، به پیوند برادری و صلح بین مسلمانان مدینه (مهاجران و انصار) تأکید داشتند. در تجلی وحدت در بعد هستی (وجودی) شهر اسلامی، به ارتباط بین مسلمانان و کنش‌های فردی و جمعی آنان، اشاره شده است. «شهر اسلامی، شهری است که با وحدت جامعه و نه تفرق مردم، پیوندی ناگسستنی دارد. تعالیم اسلامی هماهنگی، همسویی، همدلی، تعاون و در یک کلام وحدت جامعه را توصیه نموده و آن را ضامن تعالی و رشد اتحاد جامعه قرار داده است» (نقی‌زاده، ۷۸-۱۳۷۷: ۵۱-۵۰). مسلمانان با حضور در مساجد و برپایی نماز جماعت، وجود وحدت عبادی - معنوی را در بین خود به زیباترین شکل ممکن به نمایش می‌گذارند. علاوه بر وجود وحدت معنوی بین مسلمانان، که در اسلام از آن به عنوان برادر و خواهر دینی یاد می‌شود، همبستگی‌های اجتماعی دیگری از قبیل همبستگی‌های خویشاوندی، قبیله‌ای، صنفی یا به دلیل وجود نوعی خاص از کالبد محله، وحدت محله‌ای نیز وجود دارد.

مفهوم عدالت در شهر اسلامی

عدالت از ارکان و مفاهیم اساسی دین مبین اسلام بوده است که در دو وجه فردی و اجتماعی به آن تأکید و سفارش شده است. **الف) تجلی چپستی‌شناسی مفهوم عدالت:** مسلمانان، علاوه بر درس‌گرفتن از آیات و احادیث در رفتار خود سعی داشته‌اند تا حد امکان، آموزه‌های دینی را در کالبد فضایی شهر اجرا کنند. «در باب اجرای عدالت در ساختار فضایی شهر اسلامی، می‌توان گفت که توزیع عادلانه امکانات شهری و فراهم آوردن امکان دسترسی متعادل ساکنین به آن‌ها، مورد مهمی است که مرعی داشتن آن نشانه تجلی عدل در شهر است» (نقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۶). مرکزی‌ترین عنصر شهر اسلامی، مسجد است که باید دسترسی به آن برای همه مردم شهر اسلامی تقریباً یکسان باشد. در کنار مسجد، مهم‌ترین کاربری‌ها برای برآوردن نیازهای مسلمانان قرار می‌گرفتند. ضمن این موضوع، در شهر اسلامی، هر محله دارای مرکز محله‌ای با کاربری‌های مسجد، بازارچه، حمام و مدرسه بود که به این شکل نیازهای مردم آن محله را تأمین می‌کرده است که نشان از ایجاد عدالت در شهر اسلامی دارد. علامه طباطبایی در مورد عدالت در شهر اسلامی می‌فرماید: «آراسته‌ترین مکان‌ها، آنجاست که در آن عدالت باشد و از آن آبادتر نخواهی یافت» (طباطبایی، ج ۳۴: ۱۴۹). عدالت در شهرهای اسلامی، باید بر پایه قرارگیری کاربری‌ها در قسمت‌هایی از شهر اسلامی باشد که دسترسی مسلمانان به آن‌ها یکسان باشد و امکانات شهری، به گونه‌ای در شهر اسلامی مکان‌یابی شوند که در یک نقطه متمرکز نشوند بلکه، در سراسر شهر اسلامی پراکنده باشند. «رعایت عدل در ایجاد یک مجموعه عبارت است از انتخاب مکان و واگذاری نقشی خاص به هر عضو مجموعه، به گونه‌ای که بهتر از آن ممکن نباشد» (نقی‌زاده، ۷۸-۱۳۷۷: ۵۵).

پیامبر اکرم (ص)، هنگامی که به مدینه وارد شدند و شروع به ساختن مسجد مدینه نمودند، در کنار مسجد، سایر کاربری‌ها از جمله بازار و منازل مسکونی را به گونه‌ای جای دادند که دسترسی به آن‌ها برای همه مسلمانان یکسان باشد و عدالت، که یکی از مهمترین ارکان اسلام است، در شهر اسلامی مدینه برقرار باشد.

ب) تجلی هستی‌شناسی مفهوم عدالت: «عدل در لغت به معنای مقابل ستم، امری بین افراط و تفریط، مرد صالح، حق، راست، توازن، استقامت، میانه‌روی، قصد و میزان، آمده است. با عنایت به مشتقات آن در زبان عربی که در فارسی هم متداول هستند هم‌چون؛ تعادل، تعدیل، متعادل، معادل و امثالهم، اهمیت آن در جملگی مقولات مربوط به عالم وجود و فعالیت‌های انسان روشن می‌شود» (نقی زاده، ۱۳۸۹ الف: ۵). بنابراین، با توجه به معانی گسترده‌ای که برای عدالت گفته شده، می‌توان گفت که بسیاری از رفتارهای فردی و اجتماعی مسلمانان می‌تواند در حیطه عدالت قرار گیرد. از صداقت و درستکاری گرفته تا راستگویی و یاری رساندن یا حتی قضاوت کردن درباره رفتارها و گفته‌های دیگر مسلمانان و استفاده کردن از منابعی که در اختیار تمامی مسلمانان است، همگی می‌توانند، به گونه‌ای، عدالت را در رفتار و گفتار مسلمانان بروز دهد.

مفهوم امنیت در شهر اسلامی

امنیت، صفتی است که بودنش در شهر اسلامی، بارها در قرآن ذکر شده و بر اهمیت آن در دو جنبه جسمانی و روانی بسیار تأکید شده است.

الف) تجلی مفهوم امنیت در بعد چپستی‌شناسی: جنبه کالبدی وجود امنیت در شهرهای اسلامی را می‌توان در وجود سلسله مراتب در شهر، محله و خانه‌ها نسبت داد. ویژگی سلسله مراتب فضایی در محله‌ها در مسیر رسیدن از فضای عمومی به خصوصی، با معابری باریک و پیچ در پیچ و در نهایت بن بست قرار داشتند. «کوچه‌های پیچ در پیچ، سخن از سلسله مراتب و توجه به امنیت و همدلی مدینه‌نشینان با هم داشتند» (نقی زاده، ۱۳۷۸ الف: ۳۰). ایجاد این چنین سلسله مراتب در محله و خانه باعث برقراری هر چه بیش‌تر امنیت می‌شد. «معاشر بن بست، به گونه‌ای، امتداد خانه‌ها محسوب می‌شدند، نه معبری برای عبور یا داد و ستد. این گونه محله‌ها، از الحاق خانه‌های حیاط‌دار محصور به یکدیگر شکل گرفته‌اند» (خدایی و تقوایی، ۱۳۹۰: ۱۰۹). امنیت در چنین محله‌هایی به نحوی بود که در هنگام ورود بیگانه به محله، اهل محل که در آنجا حضور داشتند، به راحتی متوجه حضور وی در محل می‌شدند. ویژگی دیگر این محله‌ها اجتناب از ایجاد فضاهای خلوت (پنهانی) و دور از چشم است. خانه‌ها نیز گونه‌ای از سلسله مراتب را در خود داشتند؛ معمولاً بعد از ورودی خانه، یک دالان دارای پیچ و خم یا هشتی قرار داشت. بعد از عبور از این هشتی یا دالان وارد حیاط می‌شدند که در اطراف حیاط یا میان‌سرا، اتاق‌های متعددی قرار داشت که برای وارد شدن به آن‌ها نیز می‌بایست از چند پله، ایوان و دهلیز عبور کنند. «در خانه‌ها، پنجره‌هایی که رو به معبر بیرونی باز می‌شدند، معمولاً بالاتر از سطح دید انسان، غالباً با ارتفاع تقریبی ۱٫۷۵ متر از سطح معبر قرار می‌گرفتند» (حکیم، ۱۳۸۱: ۵۵). همه این موارد، علاوه بر این که از نشانه‌های درون‌گرایی، خلوت‌گزینی

و ایجاد حریمت مسلمانان است، نشان از ایجاد امنیت در خانه‌ها، محله‌ها و نیز کل شهر دارد.

ب) تجلی مفهوم امنیت در بعد هستی‌شناسی: در دین اسلام، به مسلمانان نسبت به عدم تجاوز به حقوق دیگران سفارش شده است. خداوند می‌فرماید: «فإن لم تجدوا فيها أحدا فلا تدخلوها حتى يؤذن لكم و إن قیل لكم ارجعوا فارجعوا هو أذی لكم والله بما تعملون علیم»، «و اگر به خانه‌ای کسی راه نیافتید، وارد نشوید تا اجازه یافته، آن‌گه درآیید و چون درآدید و گفتند برگردید، بزودی بازگردید که این بر تنزیه و پاکی شما بهتر است و خدا به هر چه می‌کنید، داناست» (نور، آیه ۲۸). در حدیث نیز آمده است: «هرگاه شخصی قبل از این که به او اجازه داده شود پرده‌ای را کنار زند و به درون بنگرد، به عملی دست زده است که برای او مجاز نیست» (Al-Qardawi, 1969: 308). وجود همسایه خوب و داشتن روابط مطلوب همسایه‌ای در محله نیز، عامل مهمی در ایجاد امنیت در محله است.^۷ با توجه به این آیات و احادیث، در اسلام هیچ‌کس بدون اجازه، حق وارد شدن به حریم خصوصی دیگران را ندارد. این مطلب، علاوه بر این که گویای محترم شمردن حریم خصوصی مسلمانان است، حفظ امنیت جسمانی و روحی و روانی مسلمانان را متذکر می‌شود.

مفهوم حریمت (درون‌گرایی) در شهر اسلامی

وجود قوانین حجاب و تفکیک جنسیتی، از مهم‌ترین موضوع‌هایی است که در اسلام وجود دارد. کلام خداوند در قرآن و احادیث مکرر ائمه بر اهمیت این موضوع دلالت دارد. تجلی این ویژگی، علاوه بر رفتار مسلمانان در کالبد شهر اسلامی نیز تأثیرگذار بوده است.

الف) تجلی چپستی‌شناسی مفهوم حریمت: رعایت حریمت، که یکی از دستورات مهم اسلام است، علاوه بر این که در رفتارهای مسلمانان به وضوح پیداست، در کالبد شهر اسلامی نیز کاملاً مشهود است. «درون»، در فرهنگ غرب، تنها به «من» منتهی می‌شود و هر چه خارج از «من» باشد، به عنوان فضای «برون» است. وارد شدن به حریم خصوصی از نظر غربی‌ها، با مسلمانان متفاوت است. فرد غربی از وارد شدن فردی به حریم خصوصی‌اش به اندازه‌ای که فرد مسلمان آزرده خاطر می‌شود، نمی‌آزارد؛ زیرا، «درون» از نظر او فضای «من» و ذهن اوست، اما فضای «درون» برای فرد مسلمان، به دلیل ارتباط با پیرامونش، محیط اطراف نیز هست (این موضوع، برای مواجهه با مهمان ناخوانده برای فرد مسلمان و غیر مسلمان، برعکس است؛ یعنی، فرد مسلمان، مهمان ناخوانده را بسیار محترم می‌دارد، اما فرد غیر مسلمان، ورود مهمان ناخوانده را به خانه‌اش نوعی تجاوز به حریم شخصی خود می‌داند). به این دلیل است که، خانه‌های مسلمانان، دارای حیاط میانی و اتاق‌های تو در تو هستند که نشان‌دهنده قرارگیری اعضای خانواده مسلمانان در حوزه «درون» و تفکیک آن با «برون» است. «بام خانه‌ها نیز، که به طور مستمر مورد استفاده قرار می‌گیرند می‌بایست، به وسیله جان‌پناه‌ها یا دیوارک‌هایی به منظور جلوگیری از اشراف بر حریم خصوصی همسایگان، محصور گردند» (حکیم، ۱۳۸۱: ۵۷). علاوه بر خانه‌ها، محله‌های پیچ در پیچ شهر و در سطحی بالاتر، فرم نامنظم (اما منظم در روابط) شهرهای اسلامی، طرحی را هم در کالبد و هم

در رفتار به وجود آورده‌اند که کاملاً متفاوت با فرهنگ‌های غربی و غیر اسلامی است.

ب) تجلی هستی‌شناسی مفهوم محرمیت: روابط مسلمانان با یکدیگر در شهرهای اسلامی در هنگام وارد شدن به عرصه خصوصی دیگری به گونه‌ای است که ورود به فضای «درون»، باید با اذن و انس صورت گیرد. در فضای «درون» نیز در حالتی که مهمانی در خانه باشد، این اذن و اجازه باید صورت گیرد. هم‌چنین تفکیک جنسیتی که در اسلام برای راحتی و آزاد بودن زنان به آن سفارش شده دلیلی بر درون‌گرایی مسلمانان است. «اصل اسلامی حفظ حریم خصوصی خانه، در ارتباط با اصلی است که جداسازی حریم خصوصی فرد از انظار عموم را واجب می‌داند، ضمن این که این اصل، بخشی از نظام اسلامی حریم مذکر و مؤنث است» (مرتضی، ۱۳۸۷: ۱۳۵). در روایتی از پیامبر اکرم (ص)، عبور زنان از میانه راه‌ها که امکان تداخل در آن‌ها وجود دارد، منع شده است (کلینی، ج ۵: ۵۱۹). در روایتی، حضرت علی (ع)، مردم عراق را به خاطر بیرون رفتن همسران‌شان به بازارها و برخوردشان با مردان، به بی‌غیرتی سرزنش می‌کند (پیشین: ۵۳۷). این احادیث، علاوه بر این که به امنیت روانی مسلمانان اشاره دارد، به جنبه درون‌گرایی و احترام گذاشتن به محرمیت و حریم خصوصی دیگران نیز تأکید دارد. از این احادیث می‌توان بی‌برد که اسلام و ائمه، برای در امان ماندن زن از نگاه‌های بیگانگان، بر قوانین حجاب و بر بودن در «درون» خانه (کم‌تر در «برون» ظاهر شدن) به شدت تأکید کرده‌اند.

مفهوم تواضع در شهر اسلامی

فخررفروشی یکی از صفات مذمت شده در اسلام است که علاوه بر رفتار، «شهر و محل زندگی انسان، می‌تواند به عنوان یکی از مهم‌ترین تجلی‌گاه‌های این صفات باشد» (نقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۳۱).

الف) تجلی چپستی‌شناسی مفهوم تواضع: از آیات و روایات گفته شده می‌توان فهمید که اسلام دینی است که مسلمانان را از هر گونه تکبر و فخررفروشی به شدت نهی می‌کند و همواره پیامبر اکرم (ص) و ائمه در این مورد تأکید داشتند و زندگی خود را در سطح پایین‌ترین قشر جامعه قرار می‌دادند و به حاکمان نیز بر رعایت این مورد بسیار سفارش می‌نمودند. این تأکیدها در کالبد و ساختار فضایی و چپستی شهر اسلامی، با هم‌سطح بودن ساختمان‌ها و کوتاهی خط آسمان خود نمایی کرد. تنها عنصر شاخص در شهر اسلامی، مسجد است که نشان‌دهنده عظمت و وحدانیت خداوند و جلوه‌گاه خضوع و خشوع مسلمانان در برابر ذات احدیت پروردگار است. «شهر با معماری متواضع و خط آسمان کم ارتفاع و پیوسته و متوازن خویش، گویا در سایه عنصر معنوی شهر، غنوده و به تعبیری، گویا، آن را سقفی یگانه، که از آن مرکز مقدس سرچشمه می‌گیرد، می‌پوشاند» (Nasr, 1973).

در شهر اسلامی ساختمان‌ها به گونه‌ای احداث می‌شدند که هیچ کدام از بناها (خصوصاً در محله‌های مسکونی) بر دیگری تسلط و برتری نداشته و معمولاً همگی آن‌ها در استفاده از مصالح، یکسان بوده‌اند. مصالح ساختمان‌ها از یک جنس بوده و تفاوت فاحشی بین نمای ساختمان‌ها و حتی در نقشه آن‌ها وجود نداشته است. این موارد می‌تواند نشان‌دهنده عدم ایجاد فاصله طبقاتی بین اقشار جامعه باشد. بر این اساس در کل شهر، هیچ‌گونه ناحیه‌بندی مبنی بر ارجح بودن

قسمتی از شهر اسلامی نسبت به قسمت دیگر وجود نداشته تا به دنبال آن، هیچ‌گونه تکبر و فخررفروشی بین مسلمانان ایجاد نشود.

ب) تجلی هستی‌شناسی مفهوم تواضع: از دیدگاه آیات و احادیث، تواضع مسلمانان در درجه اول باید در برابر خداوند باشد؛ به نحوی که به او ایمان داشته و در برابر او به عبادت و بندگی مشغول باشند. در درجات بعد تواضع مسلمانان باید در برابر پیامبران، قوانینی که از طرف پروردگار وضع شده، قوانین آفرینش و تواضع در برابر بندگان خدا باشد. در حدیثی چنین بیان می‌شود: «هر موقع گروه مغرور و خودخواه را به حالت تکبر دیدید، بر آنان اعتنا نکنید، زیرا بی‌اعتنایی شما مایه مذلت و کوچکی آنان است» (سبحانی، ۱۳۶۱: ۲۱۱). در حقیقت، می‌توان گفت که اسلام مسلمانان را، به تواضع و فروتنی در برابر متواضعان و تکبر در مقابل متکبران سفارش کرده است.

مفهوم طبیعت‌گرایی در شهر اسلامی

تعالیم اسلامی، توجّه به طبیعت را، به عنوان عاملی در نزدیکی هر چه بیش‌تر مسلمانان به خداوند و وسیله‌ای برای یادآوری مسلمانان به منظور شکرگزاری او می‌داند.

الف) تجلی چپستی‌شناسی استفاده از طبیعت: از آیات و احادیث گفته شده می‌توان فهمید که جهان، طبیعت و هر چه در آن است در خدمت بشریت آفریده شده است و می‌توان نتیجه گرفت که مسلمانان در شهرهای اسلامی به خوبی می‌توانند از مظاهر طبیعت به بهترین شکل ممکن در محل زندگی خود استفاده کنند. انسان‌ها نه تنها از نظر روحی و روانی به بودن در طبیعت نیاز دارند بلکه، می‌توانند از منابع طبیعی برای نیازهای زندگی خود استفاده کنند. محقق شدن بعد چپستی این آیه‌ها در شهر اسلامی، به این معناست که استفاده از منابع طبیعی در شهر اسلامی باید به نحوی باشد که نه تنها زیانی برای طبیعت نداشته باشد بلکه بتواند در جهت اصلاح طبیعت نیز گام بردارد و مؤمنان بتوانند از قوانین و نظم و هماهنگی حاکم بر طبیعت در ساخت شهرهای خود الهام گیرند. توجّه در استفاده از مظاهر طبیعت، در این موارد تأثیرگذار است: «میزان استفاده از نور مصنوعی در ابنیه؛ در ابعاد، اندازه و جهت بازشوها؛ نوع انرژی حرارتی و برودتی؛ تعیین درجه آلودگی جوی و در بسیاری موارد دیگر» (نقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۲۳).

بر این اساس، جهت‌گیری ساختمان‌ها در شهرهای اسلامی به گونه‌ای است که بتوانند بیش‌ترین بهره را در استفاده از نور خورشید و گرمای آن و باد در فصول مختلف سال داشته باشند. هم‌چنین، استفاده از آب و درختان را در خانه‌های شهر اسلامی به وضوح شاهد هستیم. «نحوه استقرار و جهت‌گیری ابنیه و تنظیم ارتفاع عمارت و مکان‌یابی ساختمان‌های کوتاه و مرتفع در نقاط مختلف هر شهری به همراه توجّه به جهت معابر و نسبت به تناسبات بین فضاهای باز و ساخته شده از مواردی هستند که در رابطه با مختصات باد مورد ارزیابی جدی قرار گیرند» (پیشین: ۲۱). استفاده از بادگیر به صورت‌های متفاوت نیز برای بهره‌گیری از انرژی باد در مناطق گرم وجود داشته است. در احادیث متعدّدی، مسلمانان را به استفاده صحیح از آب سفارش کرده‌اند: «پیامبر در مورد آب اندک چنین حکم کرد که آب اندازه‌گیری شود و هرگاه در زمین بالادست تا قوزک پا رسید، به زمین پایین دست

هدایت شود» (karim, 1939/ 9, volume2: 312). «این اصل، به احداث فواره‌ها در معابر شهرهای اسلامی منجر گشت» (حکیم، ۱۳۸۱: ۴۲). مسلمانان گاهی نیز شهرهای خود را با وجود توپوگرافی موجود، به بهترین و حتی زیباترین شکل ممکن بنا کرده‌اند.

ب) تجلی هستی‌شناسی استفاده از طبیعت: از آنجایی که همواره در اسلام به تعامل مسلمانان تأکید شده، در بعد هستی‌شناسی این آیه‌ها در شهر اسلامی می‌توان چنین استنتاج کرد که نحوه ساختن خانه‌ها با استفاده از منابع طبیعی و به میان آوردن عناصر طبیعت در خانه‌ها، این نتیجه را به همراه داشت که اعضای خانواده در تابستان و زمستان می‌توانستند گرد هم بیایند و نیز در بیرون از خانه با آوردن طبیعت در محیط‌های شهری شهر اسلامی، به علت داشتن نیاز ذاتی مسلمانان به بودن در طبیعت، زمینه‌ای برای تعامل و رویارویی‌شان با یکدیگر فراهم شود. این درست همان موردی است که در اسلام به آن (ارتباط و تعامل و در نتیجه وحدت بین مسلمانان) سفارش شده است. پیامبر اکرم (ص) نیز بر وجود طبیعت و فضاهای سبز در شهر اسلامی تأکید فراوان داشته و فرموده‌اند: «اگر ساعت قیامت برپا شود و در دستان شما یک نهال است، اگر قدرت دارد، ایستاده و درخت بکارد، باید آن را انجام دهد» (میرزایی، ۱۳۸۷: ۲۶۵). «آب و گیاه و آسمان و نور و باد، همگی به عنوان آیات الهی در تلطیف عناصر انسان ساخته و طبیعت خشن، نقش ایفا نموده، حیات و ممت و پاکی و وحدت و در یک کلام، خدا را متذکر می‌گردیدند» (نقی‌زاده، ۱۳۷۸ الف: ۳۰).

عدم تبعیت از الگوهای بیگانه در شهر اسلامی

آیه‌های متعددی مسلمانان را از تکرار روش‌های گذشتگان و بیگانگان منع می‌کند. بنابراین، با توجه به تعلیمات متفاوت رفتاری دین اسلام نسبت به سایر ادیان، اقتضا می‌نمود که مسلمانان کالبد شهر خود را به گونه‌ای متفاوت‌تر از شهرهای بیگانگان بسازند.

الف) تجلی چپستی‌شناسی عدم تبعیت از الگوهای بیگانه:

استفاده از مضمون این آیه‌ها در چپستی و کالبد شهر اسلامی می‌تواند این گونه باشد که مسلمانان باید در ساخت شهرهای خود از الگوهای بیگانگان اجتناب کنند. مسلمانان هنگامی که شهری را به تصرف خویش درمی‌آوردند، تغییراتی بر پایه اصول و ارزش‌های اسلامی و تعالیم دینی در آن شهر اعمال می‌کردند. به عنوان مثال، هنگامی که مسلمانان، استانبول را فتح کردند، کلیسای ایاصوفیه را به مسجد ایاصوفیه تبدیل کردند و تمامی نقاشی‌ها و تزیین‌هایی را که با ارزش‌های اسلامی هماهنگ نبود با تزیین‌های اسلامی جایگزین کردند. هم‌چنین، شهر دمشق بعد از ورود اسلام تغییر و دگرگونی‌های بسیاری در کالبد، فرم و ساختار فضایی داشته است. شهرهای غیر مسلمانان همواره با خیابان‌های مستقیم و عریض و به صورت کاملاً منظم ساخته می‌شدند، اما، شهرهای اسلامی به دلیل آموزه‌ها و سفارش‌های دین اسلام مبنی بر برقراری امنیت، سلسله مراتب و... به صورت نامنظم و پیچیده بنا می‌شدند. یکی دیگر از مظاهر تغییر کالبد در شهرهایی که به تصرف مسلمانان در می‌آمد، تغییر جهت بافت شهری برای عبادت مسلمانان، به سوی قبله (مکه مکرمه) بوده است. هم‌چنین، اهمیتی که اسلام به حرمت خانواده و محرمیت آن داده شده، باعث شده که خانه‌ها تقریباً در یک ارتفاع ساخته شوند تا تسلطی بر یکدیگر نداشته باشند و معابر به صورت تنگ و باریک و بن

بست ساخته شوند؛ این روش‌های ساخت در شهرهای اسلامی با نظام حاکم بر شهرسازی جوامع غربی کاملاً تفاوت دارند.

ب) تجلی هستی‌شناسی عدم تبعیت از الگوهای بیگانه: بعد هستی و رفتارشناسی آیه‌های ذکر شده در شهرهای اسلامی را می‌توان در ارزش‌ها و باورهای مذهبی و اسلامی جستجو کرد که تفاوت‌های بسیاری، با روابط اجتماعی مردم در جوامع غیر مسلمان، دارد. تمایل مسلمانان به درون‌گرایی و خلوت و هم‌چنین وجود مسأله حجاب و تفکیک جنسیتی باعث شد که حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی نسبت به جوامع غیر اسلامی، کم‌رنگ‌تر شود و زنان، حضور در خانه را در اولویت قرار دهند. در شهرهای اسلامی «حمام‌های عمومی، مهم‌ترین فضای عمومی برای زنان محسوب می‌شد که از آن برای گفتگو و دید و بازدید استفاده می‌کردند. با وجود این در فضای خانه‌ها، آزادی زنان افزایش می‌یافت» (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹: ۷). البته، در هنگام ورود مهمانان به خانه، باز این تفکیک جنسیتی برای راحتی و آزادی زنان اجرا می‌شد و مردان مهمان در فضاهای بیرونی پذیرایی می‌شدند. «قواعد حجاب اسلامی از دلایل تفاوت بین جامعه اسلامی و غیر اسلامی در حیات اجتماعی زنان در شهرهاست» (پیشین: ۷). این موضوع، یکی از مواردی است که در آیه‌های قرآن، مسلمانان را از تبعیت از بیگانگان (غیر مسلمانان)، نهی کرده است.

نتیجه‌گیری

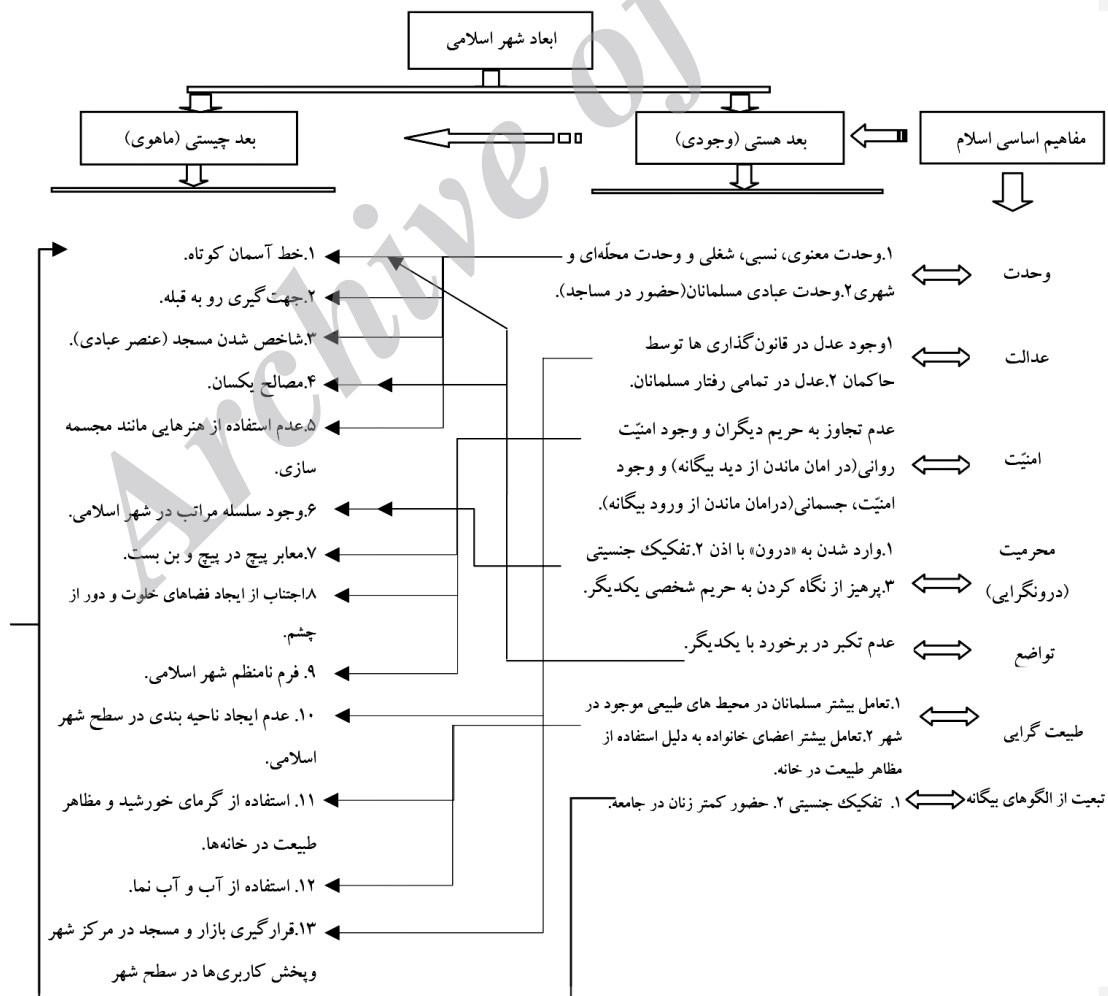
از آن چه به تفصیل گذشت، استواری مفاهیم پنهان و آشکار شهر اسلامی، بر هر دو مدار معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی فضایی، روشن گردید. به عبارت دیگر، مفهوم شهر اسلامی در همه اعصار و ازمنه، کلیه جواهر و اعراض زندگی مسلمانان را دربرداشته که شامل هر دو ساحت عینی و ذهنی مرتبط با زندگی فردی و اجتماعی در تفکر اسلامی است. از حیث مفاهیم ماهوی (معرفت‌شناسانه)، شهر اسلامی دارای مفاهیمی حصولی است که همواره خود را با بوم و ویژگی‌های جغرافیایی و منطقه‌ای خود سازگار نموده و در عین حال، انطباقی هوشمندانه با شرایط اقلیمی و آب و هوایی هر منطقه برقرار کرده است. هم‌چنین در شهر اسلامی، فعالیت‌ها و کارکردهای آن در پیوندی آشکار با فضاها و کالبد‌های مورد نظر بوده و ساختار شهر به گونه‌ای است که تمام اندام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... را چون نخ تسبیحی حول محور یا مراکز خاص گرد آورده و سازمان فضایی توأم با وحدت در کثرت و کثرت در وحدت را شکل بخشیده است. در این میان نسبت میان اسلام و شهر، تا آنجا که با محور توحیدی اسلام منافات نداشته باشد، بر مدار انطباق و پذیرش آیین‌ها، فرهنگ‌ها و عناصر کالبدی بومی قرار گرفته و موجب هویت‌بخشی کالبدی و فضایی در آن شده است. این از ویژگی‌های شهر اسلامی است که در عین برخورداری از اصول و مفاهیمی ثابت، از صورت‌ها و اشکال متکثر و متأثر از شرایط بومی، جغرافیایی، محیطی و فرهنگی برخوردار است.

مفاهیم وجودی (هستی‌شناسانه) شهر اسلامی، برخلاف مفاهیم ماهوی، مبتنی بر اصالت وجودی ثابت و لایتغیر و متکی بر حضور ذهن در فضا است. این امر نه تنها قالبی درون‌گرا را در تیپولوژی فضایی شهر موجب گردیده، بلکه موجبات توپولوژی درون‌گرا را در قالب کنش‌های فردی و جمعی در فضاهای شهر اسلامی به همراه داشته است. به این

ترتیب، نسبت میان شهر و سنت، شرع و معنویت، موجب گردیده تا شهر اسلامی ابعاد وجودی خاصی به خود گیرد و قابلیت تعمیم زمانی و مکانی داشته و به عنوان پدیده‌ای تجلی یابد که در کنف زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان در آن و در هر عصری، قابل تحقق باشد. از این رو، مفهوم شهر اسلامی، فراتر از آن است که آن را در قالب مفاهیم انتزاعی یا شکلی و ماهوی محدود و محصور کنیم، بلکه حضور ذهن و اجتماع در شهر، نسبت جدیدی با خود و خدا و با عالم و آدم پیدا می‌کند و به فلسفه‌ای از حیات دست می‌یابد که در آن، چگونه زیستن انسان را رقم می‌زند. از این رو، شهر اسلامی رخداد واقع‌های وجودی است که همیشه بوده و هست و اتکا به ریشه‌های ازلی و فطری انسان و اجتماع دارد (و نه آثار کالبدی) که ما را به مفاهیم و معانی پایدار در فضای شهری اسلامی رهنمون خواهد ساخت. این معانی و مفاهیم، قابلیت زاینده‌گی اصول ثابت فطرت پاک را متجلی ساخته است. چنین فضایی، ممد مکنونات و الهامات اصیل سازندگان و طراحان شهر اسلامی و متناسب با واقعیت‌های زندگی بر کالبد زیستی است که حتی در مواجهه با کالبد‌های کلیشه‌ای و استاندارد، جریان‌ها و سنت‌های جاری را در آن تهذیب، تصفیه و موافق می‌سازد. به نظرمی‌رسد که اگر نقش اسلام را در مقام گردآوری، گزینش، سازگاری و مبناسازی بدانیم، جامعیت‌پذیری مفهوم شهر اسلامی، همان حکمت و مصلحتی است که تحت تأثیر

جهان‌بینی توحیدی اسلام، تمهیدگر حضور وجودی و گشایش‌گر عالم غیب و شهادت است. به هر حال، می‌توان گفت که نقطه عزیمت شهر اسلامی، رشد و بالندگی فضا در کنف زندگی ذهنی و اجتماع اسلامی است، و نه الزاماً فضایی ابداعی و ماهوی که طراح مسلمان با رجوع به صورت‌های متخیل یا محسوس، آن را ایجاد نماید. از این رو، تحقق شهر اسلامی، به واسطه در هم تنیده شدن مفاهیم ماهوی و منطقی و مفاهیم فلسفی و وجودی صدق پیدا خواهد نمود؛ یعنی، قرارگیری و حضور ذهن در فضای شهر اسلامی. توجه به بعد هستی‌شناسی (وجودی) شهر اسلامی، در واقع به دنبال نقدی بر جریان‌ها و مشرب‌های نافه شهرهای اسلامی در دوران معاصر است که وجود شهر اسلامی را صرفاً منوط بر اشکال، هویت‌ها و نشانه‌های خاص دانسته و از ابعاد وجودی آن غافل مانده‌اند.

جنبه چیستی یا کالبدی شهر اسلامی، نشأت گرفته از جنبه هستی (وجودی) آن و جنبه وجودی یا رفتارشناسی شهر اسلامی، متأثر از اصول اساسی اسلام است. بنابراین می‌توان گفت که اصول اساسی اسلام بر هر دو جنبه هستی و چیستی شهر اسلامی تأکید دارد. می‌توان، با توجه به تحلیل‌های انجام شده، این تأثیرپذیری را در نمودار شماره ۲ نشان داد.



نمودار شماره ۲: تأثیرپذیری بعد چیستی (ماهوی) شهر اسلامی از مؤلفه‌های بعد هستی (وجودی) موجود در آن

بی‌نوشت‌ها

1. Epistemological
2. Ontological

۱۴. دانتون.ام (۱۳۸۶)، **مفهوم اجتماعی مکان**، شهرنشینی در اسلام (مجموعه مقالات)، جلد اول، مرکز مطالعات خاورمیانه‌ای توکیو، ترجمه مهدی افشاری، چاپ دوم، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.

۱۵. سیحانی، جعفر (۱۳۶۱)، **سیمای انسان کامل در قرآن**، انتشارات توحید، قم.

۱۶. شکرانی، رضا (۱۳۸۷)، «مهندسی فرهنگ اسلامی در مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شهرسازی»، **نخستین همایش آرمان شهر اسلامی**، دانشگاه اصفهان، اصفهان.

۱۷. شیرازی، ملاصدرا (۱۳۶۱)، **عرشیه**، تصحیح و ترجمه غ. آهی، انتشارات مولی، تهران.

۱۸. شیرازی، ملاصدرا (۱۳۶۸)، **الحکمت المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه**، جلد اول تا هشتم، انتشارات مصطفوی، قم.

۱۹. شیرعلی نیا، ابراهیم (۱۳۸۸)، «مفاهیم وجودی در نگاه علامه طباطبائی»، **مجله معرفت**، ۱۴۰ (۱۸): ۵۱-۳۵.

۲۰. طباطبائی، سید محمد حسین (بی‌تا)، **تفسیر المیزان**، ج ۷، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، محمدی، تهران.

۲۱. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۶۱)، **تفسیر المیزان**، ج ۳۴، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، محمدی، تهران.

۲۲. حر عاملی (۱۳۸۵)، **کلیات احادیث قدسی**، ترجمه کریم فیضی، انتشارات قائم آل محمد، قم.

۲۳. علیزاده، عبدالرضا (۱۳۸۸)، **جامعه‌شناسی معرفت**، چاپ سوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.

۲۴. فرجام، رسول؛ سلیمانی مقدم، هادی و چاوشی، اسماعیل (۱۳۹۰)، «مفهوم اجتماعی شهر از منظر متون و تعالیم اسلامی»، **فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، سال اول، شماره ۹: ۴۰-۲۷.

۲۵. گیلیس، دانالد (۱۳۸۱)، **فلسفه علم در قرن بیستم**، ترجمه حسن میانداری، انتشارات سمت، تهران.

۲۶. متقی، علی بن حسام الدین و نصیری، علی (۱۳۸۷)، **کنز العمال**، انتشارات مؤسسه فرهنگی اطلاع رسانی تبیان، قم.

۲۷. مرتضی، هشام (۱۳۸۷)، **اصول سنتی ساخت سازه در اسلام**، ترجمه ابوالفضل مشکین، کیومرث حبیبی، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی اسلامی.

۲۸. مقدسی (۱۹۰۶)، **احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم**، لیدن، چاپ بریل: ۴۷.

۲۹. میقاتی، رضا (۱۳۸۱)، «تمدن و شهرنشینی در زمان پیامبر (ص)»، **نشریه فرهنگ جهاد**، شماره ۲۷.

۳۰. میرزایی، علی اکبر (۱۳۸۷)، **نهج الفصاحه، کلمات قصار رسول اعظم (ص)**، چاپ اول، انتشارات صالحان، قم.

۳۱. نقی زاده، محمد (۱۳۷۷-۱۳۷۸)، «صفات شهر اسلامی در متون اسلامی»، **مجله هنرهای زیبا**، شماره ۵۴: ۶۱-۴۷.

۳۲. نقی زاده، محمد (۱۳۷۸ الف)، «چهره و کالبد شهر در گفتگوی تمدن‌ها»، **نشریه کیهان فرهنگی**، شماره ۱۵۳: ۳۲-۲۵.

۳۳. نقی زاده، محمد (۱۳۷۸ ب)، «منابع و روش شناخت مبانی نظری معماری قدسی و شهر اسلامی»، **نشریه هنر**، شماره ۴۰: ۱۱۶-۹۹.

۳۴. نقی زاده، محمد (۱۳۷۹)، «صفات شهر اسلامی از نگاه قرآن کریم»، **نشریه صحیفه مبین**، شماره ۵: ۴-۴۰.

۳۵. نقی زاده، محمد (۱۳۸۳)، «بازرهای شهر و معماری اسلامی»، **نشریه نامه فرهنگستان علوم**، شماره ۱۵۳: ۷۴-۴۳.

۳. رسته به معنی صنف است و در بخش‌های مختلف راسته اصلی قرار می‌گیرد (پیرنیا، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

۴. برای آگاهی از عناصر مختلف بازار، رجوع شود به: پیرنیا، محمدکریم (۱۳۹۰)، **آشنایی با معماری اسلامی ایران**، انتشارات سروش دانش، صص ۱۲۶-۱۲۳.

۵. ویر پنج شرط برای شهر برمی‌شمارد: بازار، بارو، دادگاه، انجمن‌ها، استقلال و وجود قوانینی برای دخل و تصرف در شهر با مشارکت شهروندان که دو مورد آخر را در شهرهای اسلامی غایب می‌داند.

۶. «یسبح له السموات السبع و الارض و من فیهن و ان من شی الا یسبح بحمده و لکن لا تفقهون تسبیحهم انه کان حلیمًا غفورًا». «هفت آسمان و زمین و هر چه در آن‌هاست همه به ستایش و تنزیه خدا مشغولند و موجودی نیست جز آن که ذکرش تسبیح و ستایش حضرت اوست ولیکن شما تسبیح او را فهم نمی‌کنید. همانا او بسیار بردبار و آمرزنده است» (اسراء، آیه ۴۴).

۷. پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرماید: «بنده‌ای که همسایه‌اش از شرش در امان نباشد، داخل بهشت نمی‌شود» (میرزایی، ۱۳۸۷: ۱۳۸۷: ۵۱۱، ح ۳۱۸۷).

فهرست منابع و مراجع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن سینا، حسین بن عبدا... (۱۴۰۴ق)، **الشفاء**، تصحیح سعید زاید، انتشارات آیت ا... مرعشی نجفی، قم.
۳. اشرف، احمد (۱۳۵۳)، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران»، **مجله نامه علوم اجتماعی**، شماره ۴، صص ۴۷-۹.
۴. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۰)، **غررالحکم و دررالکلم**، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، تهران.
۵. باقری، اشرف السادات (۱۳۸۶)، **نظریه‌هایی درباره شهرهای قلمرو فرهنگ اسلامی**، ویراستار: امیرحسین قانع، چاپ اول، تهران.
۶. بنه ولو، لئوناردو (۱۳۶۹)، **تاریخ شهر (شهرهای) اسلامی و اروپایی در قرون وسطا**، ترجمه پروانه موحد، چاپ اول، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۷. پوراحمد، احمد، موسوی، سیروس (۱۳۸۹)، «ماهیت اجتماعی شهر اسلامی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۲.
۸. پیرنیا، محمدکریم (۱۳۹۰)، **آشنایی با معماری اسلامی ایران**، تدوین: غلامحسین معماریان، چاپ شانزدهم، انتشارات سروش دانش، تهران.
۹. کلینی (۱۲۶۵)، **الکافی**، جلد ۵، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۱۰. حرانی، ابو محمد (۱۳۸۷)، **تحف العقول**، ترجمه صادق حسن زاده، چاپ نهم، انتشارات عمران.
۱۱. حرعاملی، شیخ محمد حسن (۱۳۸۸)، **وسائل الشیعه**، انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد.
۱۲. حکیم، بسیم سلیم (۱۳۸۱)، **شهرهای عربی-اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی**، ترجمه محمدحسین ملک احمد، عارف اقوامی مقدم، چاپ اول، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۱۳. خدایی، زهرا، تقوایی، علی اکبر، ۱۳۹۰، «شخصیت‌شناسی شهر اسلامی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، شماره ۴: ۱۱۳-۱۰۳.

۳۶. نقی زاده، محمد (۱۳۸۵)، معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)، انتشارات راهیان، به کوشش سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان.

۳۷. نقی زاده، محمد (۱۳۸۹ الف)، «تأملی در چیستی شهر اسلامی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، شماره ۱.

۳۸. نقی زاده، محمد (۱۳۸۹ ب)، «تفکر توحیدی و سازمان فضایی شهر در تمدن اسلامی»، نشریه کتاب ماه هنر، شماره ۱۴۴: ۷۹-۶۶.

۳۹. ویر، ماکس (۱۳۶۹)، شهر در گذر زمان، ترجمه شیوا کاویانی، شرکت سهامی انتشار، تهران.

40. al-Qardawi, Youssef (1969), al-Halal wa al-Haram fi al-Islam (Allowance and Prohibition in Islam), **al-Maktab al-Islami**, Cairo, 5 th rev. edn.
41. Abu-Loughod, Janet (1987), The Islamic City, Historic Myth, Islamic Essence, and Contemporary Relevance, **International Journal of Middle East Studies**, 19(NO. 2, May 1987), 155-176.
42. Alsayyad, Nazar (1996), "The Study of Islamic Urbanism: a historiographic essay", **Built environment**, 22(2): 91-97.
43. Antoniou, J. (2002), **Historic Cairo: a walk through the Islamic city**, Egypt, American University in Cairo.
44. Babich, B. (2003), «From Fleck's Denkstil to Kuhn's Paradigm: Conceptual Schemas and Incommensurability», **International Studies in the Philosophy of Science**, Vol. 17, No. 1.
45. Bosworth, C., Edmond (2007), **Historic Cities of the Islamic World**, Netherlands, Brill.
46. Dumper, M. (2006), Reevaluating the past, Rethinking the Future, Cities of the Middle East and North Africa, **A Historical Encyclopedia**, R. T. Dumper and Bruce E. Stanley (eds). Oxford, England, ABC-CLIO, Inc.
47. Karim, Falul (1939\9) Al-Hadis, **an English translation and commentary of Mishkat-ul-Masabih**, Vols 1 and 2 Calcutta, East Pakistan.
48. Kuban, Dogan (1980), **Prepared Community, In Hold Renata (ed), Toward an Architecture in The Spirit Of Islam**, Philadelphia: The Aghan Awards.
49. Nasr, Seyyed Hossein (1973), **Forward to The Sense of Unity**, In Ardalan, Nader and Bakhtiar, Laleh. University of Chicago. Chicago.
50. Raymond, Andry (2005), **Urban Life and Middle Eastern Cities, the traditional Arab city**, In: Youssef M. Choueiri, ed. A companion to the History of the Middle East, Malden, MA: Blackwell pub. Ltd. 207-22 .